

«نقش نگار» متقاضی اکران نوروزی

● بهناز شیربای: بیش از یک‌سال از ساخته‌شدن فیلم سینمایی «نقش‌نگار» به کارگردانی علی عطشانی می‌گذرد؛ فیلمی که در زمان ساخت با حواشی بسیاری همراه بود؛ از حضور ناصر ملک‌مطیعی پس از ۳۵ سال دوری از سینما گرفته تا سرمایه‌گذاری بابک زنجانی در این فیلم سینمایی. با وجود صحبت‌هایی که سال گذشته مبنی بر حضور این فیلم در جشنواره فیلم فجر وجود داشت، عملا این اتفاق نیفتاد و«نقش‌نگار» اکران نشد، بسیاری نیز گمان می‌کردند قطعا ردبای بابک زنجانی است که مشکلاتی برای فیلم ایجاد می‌کند. در همان روزها علی عطشانی در گفت‌وگو با «شرق» از عدم مشکل‌آفرینی بابک زنجانی برای فیلم صحبت و به تلاش مدیران دولتی برای حل مشکلات این فیلم اشاره کرد. بعد از جشنواره فیلم فجر سال گذشته، «نقش‌نگار» پروانه نمایشش را دریافت کرد و تنها یک نمایش، آن‌هم در سالن وزارت ارشاد و برای اصحاب رسانه را تجربه کرد. اکران دوم عید فطر نخستین زمانی بود که برای نمایش آن در نظر گرفته شد. اما عملا این اتفاق نیفتاد و داریوش باباییان در واکنش به اینکه به چه دلیل مدام اکران این فیلم به تعویق می‌افتد، با این جمله که به‌دنبال زمان مناسب برای اکران آن است، پاسخ می‌داد. اما با سیری‌شدن نیمه‌دوم سال، باز هم خبری از نمایش این فیلم نشد. حالا این‌روزها داریوش باباییان از متقاضی‌بودن این فیلم برای اکران نوروزی خبر می‌دهد و ظاهرا این فیلم نیز در صف پرشمار اکران‌های نوروزی قرار دارد. باباییان در پاسخ به سوال «شرق» که دلیل تاخیر در اکران این فیلم سینمایی چه بوده؟ می‌گوید: «این فیلم دچار هیچ‌گونه ممیزی‌ای نشد و بدون هیچ سانسوری راهی اکران می‌شود و تمامی این حواشی بر سر عدم اکرانش در سالی که پشت‌سر گذاشتیم، صرفا به دلیل پیدانکردن زمان مناسب برای نمایش فیلم بود.»او ادامه داد: «کارگردان‌های بسیاری متقاضی اکران فیلم‌هایشان در نوروز هستند، «نقش‌نگار» هم از جمله متقاضیان صددرصد اکران نوروزی است. عکس و پوستر فیلم نیز به سینماها داده شده است و امیدوارم مردم در تعطیلات نوروز این فیلم را ببینند.» ناصر ملک‌مطیعی، بهرام رادان، آتیلا پسیانی، گوهر خیراندیش، سعید چنگیزیان، شیوا خسرومهر و الهه حماری ازجمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.



رضا مهیمن کارگردان سینما

در اواخر قرن نوزدهم جشنی در پاریس برپا شد که بعد فهمیدیم این جشن به‌خاطر تولد آقای سینما بود. آقای سینما، کودکی شما در ایران خیلی طولانی بود. حدود ۳۰ سال طول کشید تا شما توانستید روی پای خودتان بایستید و راه بروید، یادتان هست؟ اوایل کودکی‌تان، یک دست شما را «آوانس اوکانس» گرفته بود و دست دیگران را «عبدالحسن سینتا» و شما تاتی تاتی می‌کردید و کم‌کم راه‌رفتن را یاد گرفتید. خیلی‌ها در دوران کودکی برای شما زحمت کشیدند که راه‌رسم زندگی‌کردن را به‌شما یاد بدهند؛ مثل فرخ غفاری، ابراهیم گلستان، فریدون رهنما و دیگران. در اواخر دهه ۴۰ و به‌خصوص در دهه ۵۰ شما یک‌مرتبه قد کشیدید و به جوانی بلندقامت، با چهره زیبا، چشم و ابروی درخشان، موهایی مثل شبق، پیشانی بلند با انگشتانی کشیده تبدیل شدید. این همه زیبایی‌ها را شما، آقای سینما، به ارث نبرده بودید. تنها کسی که تمام این صفات را به‌صورت ژنتیک به ارث نبرده است فقط شما هستید. تمامی این زیبایی‌ها و صفات را کسب کردید؛ از دیگران، بله از دیگرانی که جوانی و زندگی خود را به پای شما ریخته و موی سپید کردند تا شما اینگونه بلندقامت و زیبا جوان بدهید. کسانی مثل: مولایور، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، علی حاتمی، بهرام بیضایی، امیر نادری، آربی آوانسیان، ناصر تقوایی، خسرو هریتاش، پرویز کیمیای، بهمن فرمان‌آرا، فریدون گله، عباس کیارستمی، کامران شیردل و... شما هرروز از روز قبل زیاتر می‌شوید، با عضلاتی قوی و اندامی متناسب. هرسال لباس‌های فاخری به اندام شما می‌پوشانند؛ حتی لباس‌های مجلسی از فرهنگ و سنن مختلف، اقوام مختلف ایرانی، از شمال تا جنوب ایران، از شرق تا غرب ایران. شما برای خودتان آقابلی شده بودید. حتی فریدون رهنما لباس هخامنشیان را هم بر تن شما پوشاند و چقدر در آن لباس شما زیبا شده بودید. همه آدم‌هایی که نام بردم هرسال تلاش می‌کردند که شما بهترین چهره را داشته باشید، بهترین لباس را بر تن کنید و شما چقدر باوقار شده بودید. وقتی شما در سالن نمایش ظاهر می‌شدید، تمام هواداران شما اشک شوق می‌ریختند از دیدار شما. و برعکس همه آدم‌ها که هرسال پی‌تر می‌شدند، شما هرسال از سال گذشته جوان‌تر می‌شدید و خوشگل‌تر. برای خیلی از آدم‌ها، شما همه زندگی‌شان بودید. اما یک‌نفر بود که از سال‌ها قبل، بیش از ۴۰ سال، همگام و همدل با شما بود، جور غربی با شما بود. همه‌چیز شما را زیر نظر داشت. سلامت جسمی و روانی شما برایش اصل زندگی‌اش بود، مواظب بود شما به راه انحراف یا ابتدال کشیده



عکس:احمد لیغان

نشوید. می‌دانید آقای سینما چه‌کسی را می‌گویم؟ زاون را می‌گویم. زاون قوکانیان. خوب می‌شناسید او را. کسی که زندگی‌اش را به پای شما ریخت، تمام عمر با شما بود. ازدواج نکرد تا مبدا بخشی از زندگی‌اش را با کس دیگری شریک شود. چراکه تمام زندگی زاون شما بودید. هر لباسی که به تن شما می‌پوشاندند، زاون در مورد بافت پارچه، رنگ، فرم، نوع دوخت و حتی دکمه‌های لباسان مطلب می‌نوشت؛ آن‌هم با چه شوری، با چه شوقی. کافی بود چیزی برخلاف راه‌رسم شما گفته شود، با او برخورد می‌کرد. شما را همیشه در شکل ایده‌آل می‌دید، به دور از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و کژی‌ها. او زیباترین صفت و رفتار را به‌شما اطلاق می‌کرد. هرکس قدمی مثبت برای شما برمی‌داشت، او قدردان بود و دست‌بوس، برای او یادداشت، مقاله و حتی کتاب می‌نوشت. همیشه مواظب سلامت شما بود. می‌گویند «سینما بی‌رحم است»، یعنی می‌شود باور کرد؟ یعنی شما بی‌رحم باشید؟ من که باور ندارم. اما... نه رهایش کن. اما انکار نمی‌شود نگفت، باید گفت: آخر آقای سینما، زاون حدود شش‌ماه در بستر بیماری بود. انتظار می‌رفت در این مدت که بر تخت بیماری خوابیده است، احوالی از او پیرسید. اما برعکس شما، زاون در بستر بیماری هم، همچون گذشته به فکر شما بود و فقط به‌شما

آقای سینما، این رسم رفاقت نبود

فکر می‌کرد و اخبار شما را دنبال می‌کرد. عکس‌های جدید شما را می‌دید و از لحظه‌لحظه شما غافل نمی‌شد. اما شما... نمی‌دانم چه بگویم. زاون کسی است که تمام زندگی‌اش شما هستید. یادتان هست به هر بهانه‌ای زاون برای شما جشن برپا می‌کرد؟ حالا اسم این جشن را بگذارید: جشنواره یا هفته فیلم یا جلسات متعدد بحث و گفت‌وگو درباره شما. تمام وجودش شور و شوق بود. وقتی اسم شما برده می‌شد، تمام صورتش لیخن می‌شد، تمام وجودش می‌لرزید. انکار شما را در آغوش گرفته است. می‌رفت پشت تریبون و در مورد ویژگی‌های شما، زیبایی‌های شما حرف می‌زد و حرف می‌زد و تمام حرف‌هایش از قلب مهربان و وجود نازنین او بیرون می‌آمد. عاشق بود دیگر، عاشق این بود که برای شما هر روز جشن بگیرد، تولد بگیرد و در آن جشن باشکوه به تمام کسانی که به شما خدمت کردند، ادای احترام کند و دست‌بوسشان باشد. حالا اتفاقی که در جشنواره فجر امسال افتاد را برایتان تعریف می‌کنم. آقای سینما. در بخش اهدای جوایز بخش سینمای مستند، آقای «مهرداد اسکویی» از زاون یاد کرد و گفت: «یکی از ما این‌روزها حالش خوب نیست، زاون را می‌گویم و...» مجتبی وطن‌خواه این بخش را از شما ضبط کرد و فردای آن‌شب به خانه زاون بردم و برایش پخش کردم. زاون آن را دید. اما، آقای سینما، می‌دانید عکس‌العمل او چه بود؟ زاون گفت: «من حالم خوبه، چی‌داری میگی؟ خلیلم خوب هستم.» در صورتی که اصلا به‌لحاظ جسمی خوب نبود. می‌دانید آقای سینما برای چی گفت: «من حالم خوب است؟» به‌خاطر شما بود. به‌خاطر این بود که شما ناراحت نشوید. بخاطر این بود که زمان حال خود را فراموش کرده بود و ۴۵ سال قبل را نگاه می‌کرد، عرض زندگی را نگاه می‌کرد که چه خدماتی به شما کرده بود و به این دلیل زاون گفت: «حالم خوب است.» زاون انتظار ندارد در برابر تمام محبت‌هایی که به شما کرده، پاداشی بگیرد، شما خودتان خوب می‌دانید که ذات عشق همین‌طوری‌هست. حکایت شمع و پروانه است. آیا شما عاشقی را سراغ دارید در طول تمام تاریخ بشری که در برابر معشوق خود پیروز میدان باشد؟ نه، همه سوختن است، چراکه عشق همه باخت است. اما لحظه‌های عاشق که لحظه‌هایی ناب است، تجربه‌هایی است که غریبه را به آن حریم‌های مقدس راهی نیست. بسیار شخصی و خصوصی است. فقط عاشق می‌داند که چگونه با این لحظه‌ها همه زندگی او معنی پیدا می‌کند. زاون عاشق شما بود. انتظاری از شما نداشت چراکه همه اینها به‌خاطر عشق به شما بوده است؛ با میل و اراده و لذت در لحظه‌لحظه‌های زندگی با شما. زمانی که در وین بستری بود و زمانی‌که در اصفهان بستری بود، وقتی از حال او می‌پرسیدم، زاون از حال شما می‌پرسید. اگر حال شما خوب باشد، حال زاون هم خوب است. اما اینطور نشد. حال او خوب نیست، حال او خوب نمی‌شود. از شما می‌خواهم زاون را فراموش نکنید، زاون زندگی‌اش را به پای شما ریخت.

برگزاری نمایشگاه «سالانه مژده»

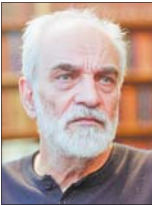
است. این نمایشگاه که با آثاری از پرویز تناولی، محمد احصایی، منوچهر نیازی، نصرالله افجه‌ای، ژازه تباتبایی،

صادق‌زاده، محمود جوادپور و... فروخته شدند. آثار این نمایشگاه ۱۷۵۰ تا صد میلیون تومان قیمت‌گذاری شده

شرق: نمایشگاه سالانه گالری مژده در حالی افتتاح شد که در همان روز نخست، ۱۰ اثر از بزرگان هنر ایران به فروش رسید. این نمایشگاه با ارایه ۸۰ اثر از ۴۳ هنرمند افتتاح شد. در ساعات نخست افتتاحیه، آثاری از منوچهر نیازی، ژازه تباتبایی، هانیبال‌الخاص، عین‌الدین

آیدین آغداشلو تاکید کرد

● شرق: آیدین آغداشلو در افتتاح نمایشگاه آثار کیخسرو خروش که پس از ۳۰ سال برگزار شد، او را مهم‌ترین نقاش واقع‌گرای این دوره دانست. در حاشیه افتتاحیه این نمایشگاه که



عصر جمعه، اول اسفند در گالری شکوه برگزار شد، خروش سلیقه‌اش را مهم‌ترین ملک انتخاب سوزه برای نقاشی خواند: «این نمایشگاه منتخبی از دوره‌های مختلف کاری من است که شامل نقاشی‌هایی از طبیعت و همچنین پرتره‌هایی از افراد مختلف است. من با سوزه‌های مختلف برخورد می‌کنم و هرچه نظرم را جلب کند، آن را به تصویر می‌کشم.» او با اشاره به اینکه طراحی، پایه اصلی آثارش است، گفت: «من از تعلیم‌یافته‌های زمان قدیم هستم، در زمان ما طراحی اهمیت زیادی داشت و درواقع قسمت اعظم کار را طراحی تشکیل می‌داد، به همین دلیل من هم به طراحی توجه زیادی دارم و آن را تا اندازه زیادی در آثارم به‌کار می‌برم.» آیدین آغداشلو، هنرشناس و نقاش صاحب‌سبک که در سال‌های دانشجویی همکلاس خروش بود، در نوشتاری در کاتالوگ این نمایشگاه او را «مهم‌ترین نقاش واقع‌گرای ایرانی این دوران» دانسته و عنوان کرده است: «خروش هنرمند والایی است که به‌جرات می‌توانم ادعا کنم عنوان «استادی» بحق شایسته جایگاه و مقام بلند او و انگشت‌شماری دیگر است. او را مهم‌ترین نقاش واقع‌گرای ایرانی این دوران می‌دانم و مفتخرم که سال‌هایی چند در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران انیس و جلیس او بوده‌ام.» علی‌اکبر صادقی، نقاش و تصویرگر پیشکسوت نیز درباره خروش گفت: «او هم‌دانشگاهی من بود و از ابتدا در کار بسیار جدی بود. آقای خروش پیرو استاد حیدریان بود و درواقع می‌توان گفت ادامه اوست، امیدوارم نسل آینده هم ادامه کیخسرو خروش باشند. علاوه‌براین او یکی از بزرگ‌ترین خطا‌های ایران نیز محسوب می‌شود. سال‌ها بود آثار نقاشی او را ندیده بودم، قلمش بسیار آزاد است و در کار دقت بسیار دارد و همین دقیق کارکردنش باعث شد تا به نتیجه خوبی برسد.» نمایشگاه کیخسرو خروش تا چهارشنبه، ششم اسفند در گالری شکوه، واقع در فرمانیه، بلوار اندرزگو، کوچه سلیمی (شمالی)، کوچه امیرنوری، شماره ۱۹ دایر است.

علی شیرازی، افشین پیرهاشمی، منش اسماعیل، احمد اسفندیاری، محمود جوادپور، عین‌الدین صادق‌زاده و... درحال برگزاری است تا هفتم اسفند در گالری مژده، واقع در سعادت‌آباد، علامه شمالی، خیابان ۱۸ شرقی، شماره ۲۷۵ ادامه دارد.

با عضویت در سایت aecinema.ir خرید اولین بلیط اینترنتی فیلم‌های سینمایی هنر و تجربه می‌توانید از تخفیف ۳۰ درصدی در خریدهای بعدی بلیط سینماها استفاده نمایید.

هنر و تجربه
Art & Experience Cinema
www.aecinema.ir

برنامه سینماهای پردیس سینمایی آزادی پردیس سینمایی کورش خانه هنرمندان، موزه سینما پردیس سینمایی هویزه (مشهد) تالار سینمایی سوره (اصفهان) کاپری (کرکمان)، ونوس (قم) ساحل (اهواز)

انتخاب جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو ۲۰۱۴

انتخاب جشنواره بین‌المللی فیلم سانو پانول ۲۰۱۴

تخسین شده توسط فرانسوین جهانی منتقدان فیلم (lipreci)

تخسین شده توسط رسانه بین‌المللی هانیوود ریپورتر

آنا نعمتی . پیرشان بازغی

مهران رجعی . قطب‌الدین صادقی . رایحه مدنی شبنم معززی . سافلی زیمینی . مجید مشیری . بهار مشیری . حامد طلایی

عبدالمجید رضا مصطفوی

مجتبی طریح و سیدمهدی طار آرش الیاسی موسسه مهدی تراب بیکو مجید رضا مصطفوی

عبدالمجید رحمان روزبه رابکا میر صدوقیان بهروز معاونیان طراح و تراب صدا بهمن اردلان طراح صدا و تاج حسن روح پرووری طراح جود بهارزاد رسول سید عربی موسسه حامد ثابت

مجتبی رضا مصطفوی

میر جواد علی ویر آرش آقا بیک میر جواد علی ویر فرید ناظر فصیحی

انبارهای نادری

UNRIPE POMEGRANATES

aecinema.ir
cinematicket.org


بنیاد امور بیماری‌های خاص برگزار می‌کند

بازارچه اقلام و جشنواره غذا

نسیم بهاران

پنج شنبه ۷ اسفند ۱۳۹۳ | ۹ صبح تا ۲۰ شب
مکان : اتوبان صدر (مسیر غرب به شرق)
خیابان بهار جنوبی (ورودی کاوه شمال)
بن بست سعید شرقی - پلاک ۲

همه اکنون نیازمند یاری نَبَرِا هستیم!

شماره حساب ۰۰۰۰۰۳۴۳۴۰۱۱۰
بانک ملی ایران | شعبه اسکان

www.CFFSD.org
cffsd@gmail.com